

## علم اجتماعی مسلمین؛ رویکردها و روش‌ها

قاسم ابراهیمی پور / استادیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) @yahoocom14@brahimipoor

دریافت: ۱۳۹۴/۴/۹ - پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۵

## چکیده

متفکران مسلمان مسائل و پدیده‌های اجتماعی جوامع خود را با رویکردها و روش‌های گوناگونی مورد مطالعه قرار می‌دهند. این مقاله، با روش تحلیلی ویژگی و ظرفیت این رویکردها و ارتباط آنها با یکدیگر را تحت عنوان «علم اجتماعی مسلمین» مورد بررسی قرار می‌دهد. رویکرد وحیانی در عصر حضور پیامبر (ص) رویکردهای نقلی، حدیثی، تفسیری، فقهی، فلسفی، کلامی، عرفانی، گزارشگری در دو قلمرو تاریخی و تکنوگاری (سفرنامه) و رویکرد خطابی در قالب سیاست‌نامه‌ها، فتوت‌نامه‌ها و شریعت‌نامه‌ها، در تبیین، تفسیر، انتقاد و تجویز در حوزه علم اجتماعی یا ترویج در عرصه اجتماع به کار گرفته شده است. رویکردهای فوق، هرچند از ظرفیت‌های متفاوتی برخوردار بوده و از روش‌های متفاوتی بهره می‌برند، اما در یک نظام طبقه‌بندی منسجم، با یکدیگر در تعامل و ارتباط بوده و علم واحدی به‌شمار می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: دانش اجتماعی، اندیشه اجتماعی، مسلمین، تاریخ تفکر اجتماعی، علم اجتماعی مسلمین.

## مقدمه

هرچند بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند که در کتب فلاسفه، آراء و اندیشه‌های جامعه‌شناختی وجود داشته و این علم از دوران جدید آغاز نشده است، بلکه تاریخ آن به گذشته دور برمی‌گردد (ریترز، ۱۳۷۵، ص ۵۴)، اما مشهور این است که جامعه‌شناسی در قرن نوزدهم، توسط آگوست کنت تأسیس و در حاشیه سيطرة سیاسی و اقتصادی غرب، جهانی شد. کنت، روش عقلی را غیرعلمی و مختص فلسفه می‌دانست. به همین دلیل، نظریه‌پردازی‌های غیرتجربی و آرمان‌پیشه در حوزه مسائل اجتماعی را «فلسفه اجتماعی» یا «اندیشه اجتماعی» می‌نامید. اندیشه، معنایی عام‌تر از فلسفه دارد که تأملات دینی را نیز شامل می‌شود (پارسانیا، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲). «اندیشه اجتماعی» عبارت است از: تمامی تفکرات، تأملات و بررسی‌های اجتماعی که به وسیله مورخان، سیاحان و فلاسفه در مورد زندگی اجتماعی انسان و پدیده‌های اجتماعی، به صورت عقلی و نظری انجام گرفته است (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۰، ص ۲۴).

به‌این ترتیب، جامعه‌شناسی شیوه غالب فهم اجتماعی تلقی می‌شد. اما به تدریج، نقدهایی مطرح شد که نتیجه آن، تفکیک نظریه اجتماعی و جامعه‌شناختی بود. نظریه اجتماعی، از نظریه جامعه‌شناختی عام‌تر است و عمدتاً تحت تأثیر فیلسوفان اجتماعی شکل می‌گیرد. البته رنگ و سیاق تجربی دارد. در دوره‌های جدید، نظریه جامعه‌شناسی غالب نیست، بلکه نظریه‌های اجتماعی اندیشمندانی مثل فوکو و هابرماس غالب است. بنابراین، این دوره را می‌توان دوره «بازگشت به فلسفه اجتماعی» شمرد (کچوئیان، ۱۳۸۴، ص ۳۸).

اما علم در جهان اسلام، تاریخی دیگر را رقم زد. علوم در جهان اسلام، بیش از هزار سال سابقه حیاتی مداوم و منظم دارند (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۰، ص ۶۸ و ۶۹). متفکران مسلمان از صدر اسلام تاکنون، مسائل و پدیده‌های اجتماعی جوامع خود را با رویکردها و روش‌های گوناگونی مورد مطالعه قرار داده‌اند. رویکرد وحیانی در عصر حضور پیامبر (ص)، رویکردهای نقلی، حدیثی، تفسیری، فقهی، فلسفی، کلامی، عرفانی، گزارشگری در دو قلمرو تاریخی و تکنوگاری و رویکرد خطابی در قالب سیاست‌نامه‌ها، فتوت‌نامه‌ها و شریعت‌نامه‌ها، در تبیین، تفسیر، انتقاد و تجویز در عرصه علم اجتماعی، یا ترویج در عرصه اجتماع به کار گرفته شده است (پارسانیا، ۱۳۸۶، ب). هریک از رویکردهای فوق، در مواجهه با علوم غربی، یا بدون توجه به آن، روش و هدفی متناسب با مبانی نظری خود اتخاذ نموده، آثار علمی و اجتماعی فاخری از خود به جای گذاشته‌اند. این مقاله بر آن است تا به معرفی، بررسی ظرفیت‌های جامعه‌شناختی و تبیین ارتباط منطقی رویکردهای مذکور، تحت عنوان «علم اجتماعی واحد» بپردازد.

## رویکرد وحیانی

منظور از «رویکرد وحیانی»، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی پدیده‌های اجتماعی، حل مسائل اجتماعی و انجام اصلاحات فرهنگی اجتماعی است که در مدت ۲۳ سال بعثت، توسط پیامبر اعظم ﷺ و از طریق وحی صورت می‌گرفت. خداوند، شریعت خاتم را با دو وحی نازل کرد: یکی، وحی قرآنی که همه الفاظش از جانب خداوند است. دیگری، وحی بیانی یا حدیث پیامبر، یعنی شرح و بیان آیات قرآن توسط پیامبر است. در سایر ادیان، همه شریعت در کتاب‌های آسمانی پیامبران بوده است، اما در دین اسلام، به دلیل جاودانه بودن، اصول شریعت در کتاب آسمانی و شرح و بیانش در حدیث پیامبر آمده است (عسکری، ۱۳۸۶، ص ۲۱). در دوران بعثت، هرگاه حادثه‌ای رخ می‌داد یا مسلمانان با مسئله‌ای مواجه می‌شدند، برای تبیین و تفسیر آن حادثه یا حل آن مسئله، آیاتی نازل می‌شد. این مناسبت‌ها یا حوادث را اصطلاحاً «اسباب نزول» یا «شأن نزول» آیات می‌نامند. دانستن اینها برای فهم دقیق بسیاری از آیات ضروری است. بنابراین، قرآن در طول ۲۳ سال، به مناسبت‌های مختلف و پیشامدهای گوناگون، به‌طور تدریجی نازل شده است. نزول تدریجی، از ویژگی‌های قرآن است که آن را از سایر کتب آسمانی جدا می‌سازد (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۶، ص ۳۳). از جمله دلایل نزول تدریجی قرآن، این است که آیات، در مقاطع مختلف زمانی و متناسب با شرایط فردی، اجتماعی، رویدادهای تاریخی، شبهات و پرسش‌های مخالفان و موافقان تلاوت شود (مصباح، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷)؛ زیرا در طول دوران رسالت، حوادث و مسائل مختلفی پیش می‌آید که تبیین و توصیف ویژه‌ای در باب آنها، از سوی مخالفان مطرح می‌شد. خداوند با نزول تدریجی قرآن، هم حقیقت امر و حق در مسئله را بیان می‌کند و هم به بهترین وجه، از مسئله مطرح‌شده و توصیف و تبیین مخالفان، پرده برمی‌دارد (همان، ص ۱۵۳).

علاوه بر این وحی، پیامبر را به پیش‌بینی حوادث آینده، مثل فتح مکه، دخول در مسجدالحرام و غلبه روم بر فارس (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۹۴) و پیش‌بینی ارتداد امت اسلامی در آیات ۵۱ و ۸۱ سوره «مانده» (همان، ج ۵، ص ۶۴۶)، یا فهم قصد و نیت و پیش‌بینی رفتار منافقان نیز قادر می‌ساخت (توبه: ۶۴)، که برخی از مفسران از آن به «رسوا ساختن منافقان» یاد کرده‌اند (زرزور، ۱۴۱۶ ق، ص ۹۲). از آنجاکه خداوند متعال از طریق وحی، رسول اکرم ﷺ را از توطئه و نقشه‌های منافقان باخبر می‌ساخت، ایشان نیز مسلمانان را مطلع می‌کردند. از این رو، منافقان پیوسته در هراس بودند که مبدا آیه یا سوره‌ای نازل شود و نقشه‌شان رو شود. البته از آنجاکه منافقان وحیانی بودن قرآن را قبول نداشتند، بر این باور بودند که پیامبر ﷺ جاسوسانی در میان آنان دارد که ایشان را از برنامه‌های آنها باخبر می‌سازند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۲۶).

## رویکرد حدیثی

«حدیث» به کلام رسول خدا و ائمه اطهار ﷺ (از نظر شیعه)، یا صحابی و یا تابعی (به اعتقاد اهل سنت) و همچنین فعل و تقریر ایشان اطلاق می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ص ۵۰). منظور از «رویکرد حدیثی» در علم اجتماعی مسلمین، استفاده از احادیث در تبیین و تفسیر یا حل مسائل اجتماعی و انتقاد از وضعیت موجود است که در کنار رویکرد وحیانی شکل گرفته است.

اما «فن حدیث» به معنای فن استماع، قرائت، ضبط، جمع و نقل سخنان رسول اکرم یا ائمه اطهار ﷺ می‌باشد. نیاز مسلمین به احادیث در امور دینی و تشویق رسول اکرم به ضبط حدیث و نقل برای آیندگان، محرک اصلی مسلمانان به فراگیری و جمع و نقل اخبار و احادیث بود. پس از انتشار اسلام، صحابه ارج و اهمیت فراوان یافته و علاقه‌مندان به احادیث نبوی را برای دیدار ایشان و استماع یک حدیث به مسافرت‌های متعدد وامی‌داشت (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۱۴، ص ۴۱۱ و ۴۱۲). احادیث شیعه، بر خلاف احادیث اهل تسنن، با تجزیه، تحلیل و استدلال همراه و بدون وقفه بوده است (همان، ج ۳، ص ۹۱ و ۹۲).

## حدیث و علم اجتماعی

سه نوع رابطه میان حدیث و علوم اجتماعی قابل تصور است: گاهی حدیث، موضوع مطالعات جامعه‌شناختی قرار می‌گیرد. در این صورت، زیرمجموعه‌ای از جامعه‌شناسی دین یا جامعه‌شناسی معرفت می‌شود. گاهی حدیث، در مقام گردآوری مورد توجه قرار می‌گیرد و می‌تواند زمینه تولید نوعی نظریه علمی را ایجاد کند؛ یعنی حدیث تور شکار و در حد یک فرضیه است که در مقام دآوری مورد آزمون تجربی قرار می‌گیرد. اما اگر علم را به علم تجربی آزمون‌پذیر تقلیل ندهیم، می‌توان علمی داشته که منبع دینی داشته باشد و اصلاً خود دین، وحی و عقل علم است. در این صورت، حدیث می‌تواند به‌طور جدی مبدأ تکوین و تکون جامعه‌شناسی حدیثی باشد که البته خود، بخشی از جامعه‌شناسی دینی است. پس، حدیث می‌تواند به عنوان یکی از منابع در کنار قرآن و عقل باشد. البته این جامعه‌شناسی دینی، می‌تواند به خود حدیث هم به عنوان موضوع بنگرد و احادیث را در چارچوب نظریه‌های جامعه‌شناسی دینی تحلیل نماید (پارسانیا، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳-۱۲۰). بنابراین، می‌توان اهداف مبانی و روش‌های جدیدی در حوزه علوم انسانی از احادیث استنباط نمود؛ زیرا علوم انسانی با هدف احادیث که هدایت مردم است، ارتباط تنگاتنگی دارد و احادیث فراوانی وجود دارند که به موضوعات و مسائل علوم انسانی پرداخته‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲ الف، ص ۳۴۰).

### اقسام احادیث علمی

علی‌رغم نیاز فراوان به احادیث غیرفقهی از جمله آداب، اخلاق و عقاید، تحقیق کافی در این عرصه صورت نگرفته است. بررسی اشکالات موجود در کتب غیرفقهی نیازمند تألیفات متعددی است (عسکری، ۱۳۸۶، ص ۶۶ و ۶۷). بخشی از احادیث غیرفقهی و معطوف به حوزه‌های مختلف علوم بشری و اجتماعی، که می‌توان آنها را «احادیث علمی» نامید، به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. روایاتی که به یک مطلب علمی اشاره می‌کند و انسان را به تفکر در آن فرامی‌خواند. اما مطلب شگفت‌انگیزی از ظاهر روایات قابل استفاده نیست.

۲. برخی روایات، به مطالب علمی و قوانین جهان اشاره می‌کند که شگفتی هر خواننده‌ای را برمی‌انگیزد. اما از آنجاکه این مطالب پیش‌تر در قرآن آمده است، یا برخی دانشمندان آن را به صورت دیدگاهی غیرمشهور مطرح کرده‌اند، اعجاز علمی احادیث به‌شمار نمی‌رود، بلکه نوعی مخالفت با نظریه‌های مشهور در آن عصر می‌باشد که شگفت‌آور است و دلالت بر عظمت علمی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام دارد.

۳. رازگویی‌های علمی، که در روایات آشکارا آمده است و در زمان صدور حدیث، کسی از آن آگاه نبوده، بلکه دانشمندان مدت‌ها بعد از صدور روایت علمی، آن را کشف کرده‌اند.

۴. برخی از احادیث علمی مطالبی را بیان می‌کند که علم هنوز به آنها دست نیافته است. این موارد را می‌توان به عنوان نظریه‌های علمی حدیثی طرح کرد و همچون سایر تئوری‌های علمی، به دنبال شواهد تجربی آنها بود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲ الف، ص ۷۸-۷۳).

مثال‌های فراوانی در این زمینه وجود دارد که موارد زیر از آن جمله است: اگر گناه زیاد شود، مرگ ناگهانی افزایش می‌یابد. اگر صدقه یا زکات ندهند، خشکسالی می‌شود. عدالت عامل ثبات دولت‌هاست (تمیمی آمدی، بی‌تا، ح ۳۰ و ۱۰۶). دولت‌ها با عدالت پابرجا و با ظلم هلاک و نابود می‌شوند (همان). همچنین روایات مربوط به تعاملات اجتماعی، که تحت عنوان «کتاب العشره» جمع‌آوری شده است، نیز در این دسته جای می‌گیرد.

### رویکرد فلسفی

فلسفه اسلامی با رویکردهای مشائی، اشراقی و صدرایی و با روش برهانی، در زمره علوم نظری است که از طریق علوم عملی، با سه رویکرد اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن، در عرصه علم اجتماعی

ظهور یافته، متون مهمی در زمینه مباحث اجتماعی پدید آورده است که تحت عنوان «علم مدنی» از آن یاد می‌شود. حکمت نظری، حوزه بسیار وسیعی دارد، به‌طوری‌که اکثر قریب به اتفاق علوم بشری را فرامی‌گیرد. حکمت عملی نیز با سه عرصه اخلاق، نظام خانوادگی و نظام اجتماعی شناخته می‌شود (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۲، ص ۲۹).

### علم مدنی

فارابی، از اصطلاح «علم انسانی» استفاده می‌کند و بر این باور است که یکی دیگر از وجوه تمایز انسان از سایر حیوانات، نیاز او به زندگی اجتماعی است. از این‌رو، او را «حیوان مدنی» نامیده‌اند. بنابراین، برای بررسی و مطالعه او، علم و نگاه دیگری شکل می‌گیرد که مبادی عقلانی و افعال و ملکاتی را که به وسیله آنها، انسان به سوی کمال سیر می‌کند، مورد مطالعه قرار می‌دهد. اینجاست که «علم انسانی» و «علم مدنی» پدید می‌آید.

علم مدنی دو بخش دارد: بخش اول (سعادت)، در مورد تعریف سعادت، تشخیص سعادت حقیقی از سعادت پنداری، طبقه‌بندی رفتار، منشأ رفتار (خلق و خوی، فطرت و طبیعت) و اهداف و پیامدهای رفتار بحث می‌کند. بخش دوم (سیاست)، شناسایی و بررسی شیوه‌های ایجاد زمینه مناسب برای رواج رفتار پسندیده و سنن فاضله، تشخیص شرایط و تنظیم افعال، به تناسب احوال اجتماعات و ممارست، تکرار و تمرین از طریق مشاهده و تجربه را دربر می‌گیرد (فارابی، ۱۹۹۶، ص ۸۳).

فارابی، علم فقه و کلام را در زمره علم مدنی قرار می‌دهد و در تعریف علم فقه می‌گوید: تشخیص حدود اموری که واضح شریعت تصریح نفرموده، در ارتباط با آنچه تصریح شده است (اجتهاد و استنباط فروع از اصول) و علم کلام نیز ملکه‌ای است که به وسیله آن، می‌توان از آراء و افعالی که شریعت وضع کرده، دفاع و جانبداری کرد. هم فقه و هم کلام، شامل دو بخش عقاید و افعال می‌باشند (همان، ص ۸۵ و ۸۶). بسیاری از اندیشمندان مسلمان، علم کلام را در زمره علوم نظری قرار داده‌اند. اما فارابی علم کلام را از آن جهت در شمار علوم عملی قرار می‌دهد که هدف آن، حصول اطمینان در مورد صحت عقیده‌ای است که باید به آن عمل شود، نه آنکه فقط صرف دریافت صحت عقیده و یا رأی باشد.

اخلاق، دستور چگونه زیستن را به ما می‌آموزد: یکی، در ناحیه چگونه رفتار کردن و دیگری، در ناحیه چگونه بودن که به کیفیت و چگونگی خوی‌ها و ملکات انسان مربوط می‌شود (مطهری، ۱۳۹۲،

ج ۲۲، ص ۳۸ و ۳۹). نظریه مسکویه در خصوص منشأ، اهداف و انواع تعاملات اجتماعی و همچنین، دو نوع تیپ‌بندی از جوامع در کتاب **تهذیب الاخلاق**، در این دسته جای می‌گیرد.

تدبیر منزل نیز شاخه‌ای از حکمت عملی است که به بررسی ساختار، ارکان، عناصر و غایات نظام خانواده می‌پردازد. تبیین نظام خانواده، بر اساس نظریه محبت در کتاب **خواجہ نصیرالدین طوسی** در این دسته جای می‌گیرد. سیاست مدن یا فلسفه سیاست، همان علم سیاست، به معنای عام است که شامل علم به نظام اجتماعی یا علم‌الاجتماع است. سیاست مدن **فارابی**، نمونه‌ای از نظریه‌پردازی عقلی است که با استفاده از واقعیات اجتماعی و اصول عقلی و وحیانی، با روش برهانی دست به تبیین انواع جامعه و چگونگی تغییر آن می‌زند. **فارابی**، سیاست مدن را دانشی می‌داند که ناظر به حوادث اجتماعی بوده، چگونگی تحولات و تغییرات جوامع را در انتقال از یک نوع اجتماعی، به نوع دیگر دنبال کند. او سیاست مدن را در قیاس با نظام اجتماعی، به پزشکی و طب، در قیاس با بدن تشبیه می‌کند و معتقد است: نظام بدن همان‌گونه که با طبابت به سامان می‌آید، نظام اجتماعی نیز با توصیفات و تجویزات این دانش سامان می‌گیرد (پارسانیا، ۱۳۹۱، ص ۹۰).

بنابراین، منظور از «علم مدنی»، همان علوم اجتماعی است که مبانی معرفتی خود را از فلسفه اخذ می‌کند. به دلیل توجه به اراده و آگاهی کنشگر، ظرفیت رویکرد تفهیمی و با پذیرش عقل عملی، ظرفیت رویکرد انتقادی و هنجاری را داراست.

### رویکرد عرفانی

عرفان اسلامی، به غیر از مراتب متنوع و گسترده‌ای، که در سلوک عملی افراد دارد، در بُعد نظری یکی از عالی‌ترین و در عین حال، پیچیده‌ترین رشته‌های علمی دنیای اسلام را پدید آورده است. عرفان، در حوزه اجتماعی و سیاسی دنیای اسلام نیز تأثیری شگرف و عظیم و در عین حال، متنوع داشته است. عملکرد سیاسی عارفان، چندان متنوع و مختلف بوده است که در بسیاری موارد به حسب ظاهر، صور مخالف و متضادی پیدا کرده است (پارسانیا، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۰۲).

### عرفان نظری و عملی

عرفان، به عنوان یک دستگاه علمی دارای دو بخش عملی و نظری است: عرفان نظری، در عرض فلسفه و به دنبال تفسیر هستی، یعنی تفسیر خدا، جهان و انسان است. عرفان مبادی و اصول به اصطلاح کشفی را

مایه استدلال قرار می‌دهد و آن‌گاه آنها را با زبان عقل توضیح می‌دهد. تفسیر عرفان از هستی و به عبارت دیگر، جهان‌بینی عرفانی هستی، با تفسیر فلسفه از هستی تفاوت ژرف دارد. فیلسوف می‌خواهد جهان را فهم کند. درحالی‌که عارف می‌خواهد به کُنه و حقیقت هستی یعنی خدا، برسد، متصل گردد و آن را شهود نماید. ابزار کار فیلسوف عقل، منطقی و استدلال است. ولی ابزار کار عارف دل، مجاهده، تصفیه، تهذیب، حرکت و تکاپو در باطن است (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۳، ص ۲۶-۳۰).

اما بخش عملی عرفان، روابط و وظایف انسان را با خودش، جهان و خدا بیان می‌کند. عرفان در این بخش، مانند اخلاق یک «علم» عملی است که می‌خواهد انسان را تغییر دهد. این بخش از عرفان، علم «سیر و سلوک» نامیده می‌شود (همان). عرفان عملی، مسیر و بستری است که با سلوک عارف همراه بوده، جدای از او نیست. مکاشفات، مشاهدات، سعه و احاطه عرفانی، در عرفان عملی حاصل می‌شود (پارسانیا، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۰۲).

عارف، گرچه همت خود را متوجه باطن عالم می‌کند، ولی رویکرد او به باطن به صورت اعراض از ظاهر و عدول از آن نیست؛ زیرا باطن و ظاهر، به‌رغم امتیازی که با یکدیگر دارند، دو امر جدا و قابل تفکیک از یکدیگر نیستند. سلوک عارف به سوی باطن، از مسیر ظاهر می‌گذرد. به همین دلیل، فلاح و سعادت‌تی که عارف در سلوک باطنی خود جست‌وجو می‌کند، بی‌ارتباط و گسسته از رفتار و عمل ظاهری او نیست. هر عملی که عارف در ظاهر انجام می‌دهد، دارای باطنی است و آن عمل به تناسب باطن خود، در سلوک باطنی عارف اثر می‌گذارد. به همین دلیل، عارف در سلوک عرفانی خود ناگزیر از مراقبتی شدید نسبت به اعمال و رفتار ظاهری خود است. بنابراین، کار عارف، هرگز به معنای اعراض از ظاهر نیست، بلکه به معنای کاوش و ورود به ژرفای آن است و در این عروج، هرگز ظاهر زایل نمی‌شود (همان، ص ۱۰۴ و ۱۰۵).

بنابراین، عرفان اسلامی، ادبیات خواب، خمار، تخدیر و غلطیدن در آغوش خودکامگی نیست، بلکه منطقی‌بندگی حق و استغنا از خلق و ستیز با دشمنان خدا و مردم است (ابوالحسن منذر، بی‌تا، ص ۱۴۶). امام خمینی علیه السلام عارف واصل، رسالت اصلی وحی و نبوت را شناساندن خداوند به بشر معرفی کرده، می‌گوید: «تمام مقاصد انبیا برمی‌گردد به معرفت الله. آنچه دنبالش بودند، واقعاً خداشناسی بود» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۲۵۰). اما این هدف اخروی را در تقابل با دنیا نمی‌داند و معتقد است: نه گوشه‌گیری صوفیانه، دلیل پیوستن به حق است و نه ورود در جامعه و تشکیل حکومت، شاهد گسستن از حق. میزان در اعمال انگیزه‌های افراد است (همان، ج ۲۲، ص ۳۵۸). بنابراین، عرفان

عملی با اخذ مبانی از عرفان نظری و در عرض اخلاق، در زمره علوم عملی قرار داشته، به تبیین و تفسیر پدیده‌های اجتماعی و انتقاد و تجویز در عرصه اجتماع می‌پردازد. نظریه‌های مولانا شروانی، سلطان حسین و مولانا نورعلی تابنده (ر.ک: تنهایی، ۱۳۸۴)، تبیین عرفانی آیت‌الله شاه‌آبادی از علل انحطاط امت اسلامی در کتاب *شذرات المعارف*، نظریه انقلاب امام خمینی علیه السلام تبیین پارسائیا از انسان معاصر، تحت عنوان «غربت و بیگانی» در کتاب *هستی و هبوط* و آثار سنت‌گرایانی همچون نصر، گنون و شووان، در این دسته جای می‌گیرد.

### سنت‌گرایان

جریان سنت‌گرایی، توسط رنه گنون (عبدالواحد یحیی)، تأسیس گردید و توسط آن‌ده کتیش کوماراسوامی، هویت نظام‌وار یافت و توسط فریتیوف شووان (عیسی نورالدین احمد) و مارتین لینگز (ابوبکر سراج‌الدین)، دو شاگرد شیخ احمد العلوی الجزایری و تیتوس بوکهارت توسعه یافت و به گفتمان و جریان فکری خاصی تبدیل شد. سنت‌گرایان برای حل تعارض دین و مدرنیته، احیای سنت را پیشنهاد می‌کنند و با اتخاذ رویکرد عرفانی، درصدد حل معضل دنیای جدید غرب هستند (خسروپناه، ۱۳۸۸، ص ۲۱۳-۲۱۵). سنت‌گرایان ساحت‌های حسی علم را در صورتی مقدس می‌شمارند که ریشه‌های مابعدالطبیعی‌شان محفوظ مانده باشد، بر ارزش معرفتی فلسفه و مابعدالطبیعه صحه می‌گذارند و فقه و اصول فقه را از عناصر عقلانی اصیل پیشرفت همه جانبه کشورهای اسلامی در نظر می‌گیرند (خلیلویچ، ۱۳۹۰، ص ۳۰۷).

کتاب‌های *بحران دنیای متجدد و سیطره کمیت و علائم آخرالزمان*، نوشته رنه گنون، *استحاله طبیعت در هنر نوشته کوماراسوامی*، *گوهر و صدف تصوف*، *پوسته ادیان و اسلام* و *حکمت خالده اثر شووان* و *عارفی از الجزایر و عارفی قدیس در قرن بیستم*، نوشته لینگز، در این دسته قرار می‌گیرند.

### رویکرد کلامی

علم کلام، که در گذشته به آن «علم اصول دین» یا «علم توحید و صفات» نیز گفته می‌شد، علمی است که عقاید اسلامی را توضیح داده، مستدل ساخته، از آن دفاع می‌کند. علم کلام، در عین اینکه یک علم استدلالی و قیاسی است، از نظر مقدماتی که در استدلال به کار می‌برد، مشتمل بر دو بخش عقلی و نقلی است: بخش عقلی کلام، مسائلی است که مقدمات آن صرفاً از عقل گرفته شده است و اگر فرضاً

به نقل استناد شود، به عنوان ارشاد و تأیید حکم عقل است. بخش نقلی کلام، مسائلی است که هرچند از اصول دین است و باید به آنها مؤمن و معتقد بود، ولی نظر به اینکه این مسائل فرع بر نبوت است، کافی است از طریق وحی یا سخن قطعی پیامبر اثبات شود (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۵۷-۶۵). اهمّ مذاهب کلامی عبارتند از: شیعه، معتزله، اشاعره و مرجئه. گروهی از علمای اسلامی همچون اهل حدیث، احمدبن حنبل و حنابله، مالکبن انس، ابن‌تیمیه و سیوطی از اصل با کلام، یعنی بحث عقلی در مسائل اما اصولی اسلامی، مخالف شدند و آن را «بدعت» و حرام دانستند (همان).

«کلام» به معنای استدلال عقلی و منطقی درباره اصول اعتقادی اسلام، در شیعه وضع خاص و متمایز دارد. کلام شیعه از سویی، از بطن حدیث برمی‌خیزد و از سوی دیگر، با فلسفه آمیخته است. فلاسفه شیعه، بدون آنکه فلسفه را به شکل کلام درآورند و از صورت حکمت برهانی به صورت حکمت جدلی خارج سازند، با الهام از وحی و افاضات پیشوایان دینی، عقاید اصیل اسلامی را تحکیم کردند. از این‌رو، اگر بخواهیم متکلمان شیعه را برشماریم و مقصودمان همه کسانی باشد که درباره عقاید اسلامی شیعه تفکر عقلی داشته‌اند، جماعتی از راویان حدیث و جماعتی از فلاسفه شیعه را نیز باید جزو متکلمان بیان کرد؛ زیرا حدیث و فلسفه شیعه، وظیفه علم کلام را بهتر از خود آن انجام داده‌اند (همان، ج ۳، ص ۹۱-۹۳).

رویکرد کلامی، به عنوان یکی از علوم نظری و در عرض فلسفه و عرفان، مبانی معرفتی ویژه‌ای را به دنبال داشته، علم اجتماعی متناسب با خود را به ارمغان می‌آورد. عمل عمران ابن‌خلدون، که مبانی معرفتی خود را از کلام اشعری می‌گیرد، از آن جمله است. ابن‌خلدون «علم عمران» را مبتنی بر کلام اشعری تأسیس می‌کند. او علیت را به معنای توالی زمانی و روش مطالعه آن را حس می‌داند و بر این باور است که از طریق مطالعه تجربی، توالی زمانی پدیده‌ها، می‌توان عادت‌الله را شناخت. او روش نقلی را نیز می‌پذیرد و از روایات نبوی استفاده فراوانی می‌برد. به عقل عملی و حسن و قبح عقلی قائل نیست. به همین دلیل، علم اجتماعی او صرفاً جنبه تبیینی داشته، تجویزی و انتقادی نیست. این ویژگی‌ها، علم اجتماعی او را علی‌رغم تفاوت‌های جدی، به جامعه‌شناسی پوزیتیویستی نزدیک کرده است (ر.ک: پارسائیا، ۱۳۸۸).

### رویکرد تفسیری

در میان علوم اسلامی، اولین علمی که پس از علم قرائت شکل گرفت، علم تفسیر بود. علم تفسیر، مربوط به مفاهیم و معانی آیات (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۱۴، ص ۳۹۷) و روشن کردن و پرده‌برداری از

اهداف و مدلول آن است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴). هرچند علم تفسیر، از اولین اشتغالات مسلمانان بود و از همان زمان نزول قرآن، آغاز شد، اما تفسیر به عنوان یک علم مدون و منسجم، از زمان امیرالمومنین<sup>ع</sup> آغاز شد. بزرگان این علم، سلسله استادان خود را به ایشان می‌رسانند (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۴۰).

در تفسیر قرآن، از روش‌های گوناگونی همچون اجتهادی، قرآن به قرآن، قرآن به عقل، قرآن به روایت، تفسیر علمی، موضوعی و رمزی استفاده می‌شود (همان، ص ۸۹). هریک از روش‌های تفسیر قرآن، به یک جنبه از تفسیر توجه کرده‌اند. حال اینکه در مورد هر آیه، ممکن است یک یا چند روش به کار آید و در هر مورد، به قراین معتبر (عقلی، نقلی و قرآن) تمسک جوییم. این روشی است که مورد توجه بزرگان تفسیر در عصر حاضر است (همان، ص ۱۳۰). طبق نظر قرآن، پیامبر اکرم<sup>ص</sup> خود مبین و مفسر این کتاب است. بنابراین، احادیث نبوی و همچنین روایات ائمه اطهار<sup>ع</sup>، ما را در تفسیر قرآن یاری می‌دهد (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۶، ص ۳۴).

### اهداف تفسیر علمی

ترجمه و تألیف آثار غیرمسلمانان در زمینه علوم مختلف، موجب شد تا تعارضاتی بین ظاهر برخی آیات قرآن و علوم جدید به نظر آید. دانشمندان مسلمان، با اتخاذ رویکرد حداکثری، حداقلی یا میانه به دین، پاسخ‌های متفاوتی به این مسئله دادند. بر اساس رویکرد حداکثری به دین، همه جزئیات علوم در قرآن وجود دارد. *غزالی*، از جمله طرفداران این دیدگاه است. بر اساس رویکرد حداقلی، قرآن و علم تقریباً از یکدیگر جدا هستند. به عبارت دیگر، قرآن به مسائل اخروی می‌پردازد و مسائل دنیوی را به مردم واگذار کرده است. سرچشمه این سخنان را می‌توان در سخنان *شاطبی* یافت (شاطبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۸۸). بر اساس رویکرد میانه، قرآن و علوم رابطه سازگارانه دارند و بیش از دو هزار آیه قرآن به مسائل علمی پرداخته است. در موارد متعددی به اهداف و مبانی و روش‌های علوم انسانی و اخبار علوم طبیعی اشاره کرده است که در حد شگفتی و اعجاز علمی و یا نظریه‌پردازی‌های علمی مطرح می‌شود. همه این مطالب، در راستای هدایت انسان، خداشناسی و معادشناسی است. اما این‌گونه نیست که همه جزئیات علوم در قرآن بیان شده باشد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۷ و ۱۷۸).

تفسیر علمی، با آنکه بیش از هزار سال از عمر آن می‌گذرد، در قرن اخیر اوج گرفته و مورد توجه مفسران و دانشمندان واقع شده است. پرداختن به تفسیر علمی، با انگیزه‌های گوناگون همچون دفاع از

دین، اثبات اعجاز علمی قرآن، سیطره رویکردهای التقاطی (همو، ۱۳۷۵، ص ۲۸۲-۲۸۶)، یا تولید علم با استفاده از روش استنباطی صورت گرفته است. تفسیر علمی، حداقل با چهار هدف انجام گرفته است:

۱. استخدام علوم در فهم قرآن: در این شیوه، مفسر می‌کوشد با استفاده از مطالب اطمینان‌آور علوم، که با دلیل عقلی یا بداهت حسی پشتیبانی می‌شود و با ظاهر آیات قرآن موافق است، به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجمل قرآن را کشف کند. این شیوه تفسیر علمی، نوع صحیح تفسیر علمی است (همان، ص ۲۱۴). روشن است که منظور این نیست که به کمک فلسفه یونان و یا اسلامی و یا به کمک علوم جدید، به تفسیر قرآن بپردازیم و قرآن را بر این افکار غیرمضمون از خطا تطبیق کنیم؛ زیرا چنین کاری تفسیر به رأی و عقلاً و شرعاً ممنوع است (سبحانی، ۱۳۶۴، ص ۳۱۵). برخی بر این باورند که باید از پیشرفت علوم برای فهم بهتر قرآن استفاده کرد. در مواردی هم که علوم توانسته‌اند یک مطلب را به طور قطعی اثبات کنند و با ظاهر آیه‌ای از قرآن هم موافق باشد، می‌توان از آن مطلب علمی برای تفسیر قرآن سود برد. *آیت‌الله سبحانی در برهان رسالت و منشور جاوید، آیت‌الله صافی گلپایگانی در به سوی آفریدگار* (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۳۴۲) و *علامه طباطبائی در المیزان* (همان، ص ۳۷۰)، استفاده از کشفیات علمی در تفسیر قرآن را جایز شمرده، در مواردی آن را به‌کار گرفته‌اند. *سیدقطب و آیت‌الله مکارم شیرازی* نیز در این دسته قرار می‌گیرند (همو، ۱۳۷۵، ص ۳۷۷).

۲. تحمیل یا تطبیق نظریه‌های علمی بر قرآن: منظور از تطبیق، این است که مفسر، آیات موافق یک نظریه علمی را که از قبل پذیرفته جست‌وجو نموده، آیات مخالف را تأویل نماید که در نهایت، این شیوه به تفسیر به رأی منجر خواهد شد (همو، ۱۳۷۵، ص ۳۶۹). *طنطاوی در الجواهر فی تفسیر القرآن، بازرگان در باد و باران در قرآن، راه طی شده و مطهرات در اسلام* (همان، ص ۳۱۰ و ۳۱۳). *یدالله نیازمند شیرازی در اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، محمدتقی شریعتی در تفسیر نوین و رشیدرضا در المنار* چنین عمل کرده‌اند.

۳. جهت‌دهی قرآن به علم: یکی از شیوه‌های تفسیر علمی، استنباط مبانی و اهداف علوم از قرآن و اشراپ آنها در علم موردنظر است. به‌طوری‌که قرآن در علوم، به‌ویژه علوم انسانی تأثیر می‌گذارد و اهداف و مبانی جدیدی برای آنها تعریف می‌کند که اثر آن چهره علم تغییر می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۶)، بلکه علم جدیدی تأسیس می‌شود. *مهادی گلشنی، خسرو باقری و سیدحسین نصر* این نظر را پذیرفته‌اند.

۴. استخراج علوم از قرآن: برخی از اندیشمندان مسلمان مثل المرسی و غزالی بر این باورند که می‌توان همه علوم را از قرآن استخراج کرد (همان، ص ۲۱۲). مهدی نصیری نویسنده کتاب *اسلام و تجدد* نیز در این دسته قرار می‌گیرد. او علم دینی را کاملاً اکتشافی و البته تنها محل اکتشاف آن را، متون دینی می‌داند؛ زیرا به باور وی، انسان فاقد چنین توانایی بوده که مستقل از وحی و با اتکا به تجربه و آزمون و کشف شخصی، معیشت خود را سامان دهد (نصیری، ۱۳۸۱، ص ۴۵).

برخی دیگر، به استخراج نظریه‌های علمی مطرح در قرآن و نه همه علوم، باور دارند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۸). دعوت به مطالعه و پژوهش در فرهنگ‌های گوناگون، تبیین پدیده‌ها و سنت‌های الهی و اجتماعی، پرداختن به تاریخ جوامع، اهمیت دادن به زندگی اجتماعی، دعوت به وحدت و یکپارچگی، وضع قوانین اجتماعی و مسائلی از این دست، که در قرآن با کمال صراحت و به تفصیل مطرح گردیده است، نشانه‌های گویایی از خاستگاه اندیشه اجتماعی مسلمانان است (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۱۸).

### اقسام آیات علمی قرآن

آیات علمی قرآن در حوزه‌های گوناگون علوم بشری، که حدود نیمی از قرآن را شامل می‌شود، به همان چهار دسته‌ای که در خصوص احادیث علمی بیان شد، قابل تقسیم است. دسته اول، آیاتی است که زمینه رشد در علوم تجربی را فراهم می‌سازد. برخی دیگر از آیات قرآن، به دلیل نوعی مخالفت با دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشهور در آن عصر، شگفت‌آور بوده و دلالت بر عظمت علمی قرآن دارد. دسته سوم، به رازگویی علمی به روشنی پرداخته که در زمان نزول آیه، کسی از آن اطلاع نداشته است. سرانجام برخی دیگر از آیات قرآن، نظریه‌ای علمی را مطرح می‌کند که علم هنوز بدان دست نیافته است. این موارد را می‌توان به عنوان نظریه‌های علمی قرآنی مطرح کرد و همچون سایر تئوری‌های علمی به دنبال شواهد تجربی آنها بود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۷۶-۷۹). مثل ادعای وجود موجودات زنده در آسمان‌ها (شوری: ۲۹)، یا قانونمندی جامعه؛ زیرا از نظر قرآن، تاریخ بشر و تحولات آن بر طبق یک سلسله سنن و قوانین صورت می‌گیرد. پیروزی‌ها و شکست‌ها، خوشبختی‌ها و بدبختی‌ها، عزت‌ها و ذلت‌های جوامع، حساب‌های دقیق و منظمی دارد که با شناختن آنها، می‌توان بر جریانات و پدیده‌های عصر حاضر آگاهی یافت و در تبیین پدیده‌های اجتماعی از آنها بهره جست (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۱۸).

### تفسیر اجتماعی

فهم اجتماعی قرآن کریم و نگاه به قرآن، به عنوان چاره‌ساز مشکلات فراروی بشر امروز، گرایش جدیدی است که میان مفسران یک صد سال اخیر دیده می‌شود. این گروه تلاش می‌کنند تا با تدبیر و تفکر بیشتر در قرآن، از آن به عنوان نسخه‌ای برای نسل تشنه امروزه بهره‌جسته، راه‌هایی از عقب‌ماندگی را در آموزه‌های قرآن جست‌وجو کنند. تفسیر *المنار* رشیدرضا، تفسیر *فی ظلال القرآن* سیاق‌قطب و *المیزان فی تفسیر القرآن* علامه طباطبائی از جمله تفاسیر اجتماعی است (عباس‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹-۱۰۷).

قرآن در آیات و سوره‌های متعدد، پدیده‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد و به تبیین پدیده‌های اجتماعی مانند انقلاب‌ها، جنگ‌ها، انواع قشرها و طبقات اجتماعی و تضاد بین آنها می‌پردازد. تقدم و یا اولیاتی را که به پدیده‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی می‌دهد، شیوه تحلیل قرآنی از رویدادهای تاریخی و اجتماعی پدیده‌هاست. قرآن علاوه بر دعوت به مشاهده، پژوهش و کاوش در زندگی اقوام و ملت‌ها، خود با شیوه و روش خاصی به بررسی مهم‌ترین مباحث اجتماعی و تاریخی می‌پردازد. برخی از پدیده‌های اجتماعی که قرآن انسان‌ها را به تحقیق و پژوهش درباره آنها دعوت می‌کند، عبارتند از: چگونگی پیدایی اجتماعات انسانی و قانون‌مندی آنها؛ علل دگرگونی و تغییرات اجتماعی و موجبات صعود و سقوط تمدن‌ها؛ هویت و ماهیت تاریخ و عامل محرک آن؛ طبقه‌بندی گروه‌های انسانی و نقش خانواده در ثبات و استواری روابط اجتماعی؛ چگونگی تأثیرپذیری جوامع انسانی از آداب و رسوم و عادات‌های پیشینیان؛ میزان اهمیت ارزش‌ها و ناهنجاری‌های دینی در سلامت جامعه و نقش آنها در کنترل آسیب‌های اجتماعی (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۲۱ و ۲۲).

### رویکرد فقهی

وحی در حوزه علوم عملی، با حضور خود به عنوان یک منبع معرفتی جدید، عرصه‌های وسیعی از گفت‌وگوهای علمی را پدید آورد که با عنوان جامع «فقه» شناخته و تا زوایای دور و نزدیک زندگی عملی انسان در ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی وارد می‌شود (پارسانیا، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷). علم فقه، با سابقه‌ای بیش از هزار سال، از جمله قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین علوم اسلامی است که حیاتی بدون وقفه و مداوم داشته است. فقه، علم وسیع و عمیق به معارف و دستوره‌های اسلامی است که به تدریج در اصطلاح علما به «فقه الاحکام» اختصاص یافت (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۰، ص ۶۳-۶۹). موضوعات فقهی، عرصه‌های

متعددی همچون، تکالیف عبادی، فعالیت‌های اجتماعی، رابطه انسان با خود و طبیعت، امور اقتصادی، خانوادگی، قضایی، جزایی و جنایی، ضمانت‌ها مانند غضب و حواله، امور مربوط به شراکت و اشتغال را شامل می‌شود. البته روشن است که همه این موضوعات، جزء یک منظومه معرفتی است؛ زیرا در یک هدف نهایی که سعادت آدمی است، اشتراک دارند (همان، ص ۱۹ و ۱۲۰).

«فقه» به یک معنا، تفسیر احادیث ائمه اطهار<sup>علیهم‌السلام</sup> است. برخی از کتاب‌های فقهی، احادیث را شرح داده است. در این کتاب‌ها، مباحث فقهی را بر اساس مسائلی مطابق نیازهای زندگی تقسیم کرده، در مورد هر مسئله، احادیث مربوط را به اندازه‌ای که در خصوص آن مسئله روشنگری داشته و بتواند نظر اسلام را توضیح بدهد، گردآوری نموده و دلالت، سند و متن حدیث را شرح داده‌اند. به عنوان نمونه، کتاب فقهی **جوهر**، روایات **کتاب اربعه** را براساس نیازهای زندگی تشریح می‌کند. ایشان در کتاب‌های **بیع**، **جعاله**، **احیاء موات** و **نکاح**، که در زمینه خرید و فروش، قراردادهای عمومی، زنده کردن زمین‌های بایر و ازدواج، روایاتی را گردآوری، شرح و مقایسه نموده و از این طریق نظریه فقهی خود را استخراج نموده است (صدر، بی‌تا، ص ۱۳).

### ظرفیت‌های انتقادی فقه

هویت اعتراض‌آمیز فقه اجتماعی شیعه، در برابر قدرت‌های سیاسی و ویژگی واقع‌بینانه آن و جهت‌گیری عقلانی آن برای حمایت از مظلوم و محقق ساختن عدالت با اجرای حدود الهی، در عبور از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب، به نظریه‌های هنجاری آن، خصوصیت انتقادی را نیز القا می‌کند.

این نظریه‌های انتقادی فقه شیعه بود که بر اثر تعامل فعال با محیط فرهنگی خود، طی قرن گذشته دو انقلاب عظیم مردمی را به دنبال داشته است: یکی، انقلاب مشروطه در آغاز قرن بیستم و دیگری، انقلاب اسلامی در پایان همان قرن (پارسا، ۱۳۹۱، ص ۱۳۱). خانم کدی، ایران را به دلیل این دو انقلاب عظیم مردمی، یکی از انقلابی‌ترین کشورهای جهان می‌خواند و نقش ویژه علمای شیعه را یکی از عوامل منحصر به فرد انقلاب‌خیز بودن ایران می‌شمارد. وی، با مقایسه علمای شیعه و سنی بر این باور است که علمای اهل تسنن، نه تنها به خود اجازه نمی‌دهند با حکومت مخالفت کنند، بلکه در صورت اقدام به چنین عملی ممکن نیست به اندازه علمای شیعه موفق شوند (کدی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۶-۲۲۱) و این ناشی از تفاوت رویکرد انتقادی فقه شیعه در مقابل فقه اهل تسنن است. همین رویکرد انتقادی، منجر به تولید نظریه‌های هنجاری در بعد سیاسی اجتماعی می‌شود.

فوکو نیز حضور انقلاب ایران را کانون یک انقلاب جهانی معنوی در برابر دنیای مدرن می‌داند. او مذهب تشیع را نه افیون توده‌ها، بلکه روح یک جهان بی‌روح معرفی کرده، می‌گوید:

تشیع شکلی از اسلام است که با تعالیم و محتوای باطنی خود میان اطاعت صرف بیرونی و زندگی عمیق معنوی تمایز قائل می‌شود. در این شیوه، که شیعیان مذهب اسلام را به منزله نیرویی انقلابی زیست می‌کنند، چیزی غیر از اراده به اطاعتی وفادارانه‌تر از قانون شرع وجود دارد؛ یعنی اراده به تغییر کلی هستی‌شان با بازگشت به تجربه‌ای معنوی که فکر می‌کنند در قلب اسلام شیعی می‌یابند (فوکو، ۱۳۷۹، ص ۶۰ و ۶۱).

احکام اجتماعی فقه، نمونه‌ای از نظریه‌های هنجاری است؛ زیرا فقیه از منظر خیر و شر و تأمین سعادت انسانی به سیاست و قدرت می‌نگرد. از این رو، در جایی که تأمین خیر، عدالت، آزادی مشروع و سعادت به خطر افتد، اطاعت از قدرت سیاسی را جایز نمی‌داند. برخی از آنها نیز توصیه به انقلاب اجتماعی می‌کنند. افرادی مانند **آیت‌الله نائینی**، امام خمینی<sup>ره</sup> و شهید مطهری<sup>ره</sup> را می‌توان در این گروه قرار داد (لکزایی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۲۳۰).

احکام فقهی که در ادبیات جامعه‌شناختی می‌توان تحت عنوان «هنجار» از آن یاد کرد، به دو دسته الزامی و غیرالزامی تقسیم می‌شوند: دسته‌ای از این هنجارها، هنجارهای موقعیت‌سازند که در سطوح مختلف اجتماع دست به تعریف موقعیت‌ها می‌زنند. دسته دیگری از این هنجارها، معطوف به موقعیت‌های مذکور بوده و نقش افرادی که در این موقعیت‌ها قرار می‌گیرند را تدوین می‌کنند. دسته سوم از هنجارهای فقهی، به روابط میان موقعیت‌ها معطوف بوده و از این طریق ساختارهای اجتماعی را طراحی می‌کنند؛ زیرا چنین موقعیت و تدوین سلسله‌مراتب میان آنها را دربر می‌گیرد (ر.ک: صدیق اورعی، ۱۳۸۱). دسته دیگری از هنجارهای فقهی نیز وجود دارد که با اتخاذ رویکردی انتقادی، تغییر اجتماع را در اولویت قرار داده، تحقق سه دسته قبلی را در عرصه اجتماع دنبال می‌کند. براین اساس، فقه اجتماعی در امتداد فلسفه سیاست و بخشی از علم اجتماعی است که تغییر را با اتخاذ رویکرد انتقادی و هنجاری دنبال می‌کند. زیرا اسلام در تمامی شئون خود، اجتماعی است و فقه عهده‌دار تبیین احکام اجتماعی متناسب با شرایط اجتماعی و اهداف غایی احکام است (علامه طباطبائی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳). بنابراین بازنگری همه احکام فقهی با نگرش حکومتی، امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است (مقام معظم رهبری، نامه خطاب به جامعه مدرسیه حوزه علمیه قم، ۲۵ آبان ۱۳۷۱).



### رویکرد گزارشگری

رویکرد گزارشگری، به دو شاخه تاریخی و تک‌نگاری یا سفرنامه تقسیم می‌شود. *تاریخ طبری* و *مسعودی* و *سفرنامه ابن بطوطه* و *ابن فضلان* از این جمله‌اند.

### تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری در میان مسلمانان، از نیمه قرن سوم هجری، رشد چشمگیری یافت. *ابن مسکویه*، *یعقوبی*، *طبری* و *مسعودی* مورخان به نام دوره شکوفایی تاریخ‌نگاری در اسلام بودند که به توصیف سرگذشت جوامع پرداخته‌اند (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۹۸).

از آنجا که تاریخ طبیعت کلی دارد، علم است. اما به دلیل پیچیده بودن موضوع آن، جنبه احتمالی دارد. با این حال، هرچند بشر نتوانسته قوانین تاریخ را به‌طور کامل کشف کند، تا حدود زیادی می‌توان وقایع را تعمیم داد، قوانین کلی کشف کرد و براساس آن پیش‌بینی نمود. البته این پیش‌بینی، به دلیل اتکای بر مقتضیات و عدم ظرفیت احصای شرایط و موانع، قطعی نخواهد بود (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۱۶۸، ۱۷۱ و ۱۷۲). تاریخ در واقع سه علم است: تاریخ نقلی، که با روش‌های تجربی و نقلی به توصیف پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد. تاریخ علمی یا جامعه‌شناسی ایستا، که با روش‌های منطقی به دنبال کشف قوانین حاکم بر جوامع است و فلسفه تاریخ یا جامعه‌شناسی پویا، که با روش‌های تجربی به دنبال کشف قوانین حاکم بر تحولات کلان اجتماعی است.

### تاریخ نقلی

تاریخ نقلی، به معنای علم به حوادث و وقایع گذشته، خود به دو نوع تاریخ فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود که در زندگی‌نامه‌ها، فتح‌نامه‌ها، شرح‌حال افراد و اشخاص، بیان جنگ‌ها، شکست‌ها و این‌گونه مسائل خلاصه می‌شد. این نوع علم تاریخ، جزئی، نقلی و معطوف به بودن‌هاست. فایده آن به اهمیت موضوع آن باز می‌گردد (همان، ص ۸۳۷-۸۳۴). هدف تاریخ نقلی، توصیف صرف است، هرچند معمولاً با تحلیل نیز همراه است. *مروج الذهب* و *معادن الجواهر* نوشته *مسعودی*، *تاریخ یعقوبی* و *تاریخ طبری* در این دسته قرار می‌گیرند. *یعقوبی* تاریخ‌نگاری را از مسائل سیاسی، به مسائل فرهنگی تغییر جهت داده است و *مسعودی* نیز به مسائل فرهنگی و اجتماعی پرداخته است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶).

### تاریخ علمی

تاریخ علمی نیز معطوف به بودن‌ها، اما کلی و معطوف به جوامع است. ضوابط، قواعد و سنن

حاکم بر جوامع، مثل علل ظهور و سقوط جوامع را بیان می‌کند. در تاریخ علمی، حوادث به منظور کشف قوانین حاکم بر جوامع و با روش‌های منطقی تحلیل می‌شوند. این قوانین را می‌توان به زمان حال نیز تعمیم داد؛ زیرا بر زندگی بشر قوانین قطعی علمی و معلولی حاکم است، ولی به دلیل پیچیدگی فوق‌العاده انسان، دستیابی به آن قوانین کلی دشوار است. به همین دلیل، ادعای کلیت در قوانین اجتماعی، به خلاف قوانین در علوم طبیعی و ریاضی احتمالی است؛ یعنی در غالب مسائل اجتماعی ممکن است استثنا وجود داشته باشد. این نه از آن جهت است که قانون در ذات خودش کلیت ندارد، بلکه به این دلیل است که تسلط بر آن قوانین به طور دقیق، برای مورخ کار دشواری است (همان، ص ۸۳۸-۸۴۲).

براین اساس، نظریه در «تاریخ علمی»، که جامعه‌شناسی ایستا محسوب می‌شود، از تحلیل منطقی، عقلانی و ذهنی حوادث و رویدادهای تاریخ نقلی به دست می‌آید. از این رو، در زمره نظریه‌های عقلی دسته‌بندی می‌شود. متخصص تاریخ علمی، وقایع تاریخی را با روش‌های استدلالی و قیاسی مورد مطالعه قرار می‌دهد. کار وی از این جهت به کار فیلسوف شبیه‌تر است، تا کار عالم طبیعی (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۷۲). تبیین‌های تاریخی *ابن خلدون* از حوادث اجتماعی قرون اولیه و کتاب‌هایی مثل *فروع البدیت* و *فروع ولایت اثر آیت‌الله سبحانی* در این دسته قرار می‌گیرند.

### فلسفه تاریخ

سرانجام تعریف سوم از تاریخ، به معنای علم به قوانین شدن و صیوروت و تحول جوامع است که «فلسفه تاریخ» نامیده می‌شود (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۸۴۳). نظریه‌های «فلسفه تاریخ»، که به جامعه‌شناسی پویا تعلق دارد، به تحولات و تطورات تاریخی معطوف است و در زمره نظریه‌های سطح کلان شمرده می‌شود. این‌گونه نظریه‌ها، از مشاهده موارد عینی و تعمیم آنها قابل دستیابی هستند. بنابراین، می‌توان آنها را جزو نظریه‌های تجربی قلمداد نمود؛ زیرا یک نظریه فلسفی تاریخ، یا باید بر تجربه تاریخی واقعیت‌های عینی زمان خود مبتنی باشد و به دوره‌های دیگر تعمیم داده شود و یا باید بر اساس شواهد تاریخی، از واقعیات گذشته بنا شده باشد و به زمان حال و آینده تعمیم داده شود. بنابراین، نظریه‌های «فلسفه تاریخ» نیز یا به شیوه‌ای تجربی حاصل می‌شود. در این صورت، نظریه‌ای تجربی خواهد بود و یا باید به شیوه قیاسی و استدلال منطقی کشف شوند، که در زمره نظریه‌های عقلی دسته‌بندی می‌شوند (همو، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸).

## سفرنامه

آشنایی با جغرافیا و گرایش به نقشه‌کشی و نقشه‌برداری از قرن اول، و سفرهای زیارتی، سیاحتی و تجارتي، بسیاری از مسلمانان را به سفرهای طولانی وادار می‌کرد. ثبت مشاهدات و خاطرات جهانگردان به دست خود ایشان، یا برخی مشاهیر، موجب پدید آمدن سفرنامه‌های متعددی شده است (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۸۳ و ۸۴). «سفرنامه»، نوعی گزارش است که نویسنده در قالب آن، مشاهدات خود را از اوضاع و احوال شهرها شرح می‌دهد و اطلاعاتی از بناهای تاریخی، مساجد، کتاب‌خانه‌ها، بازارها، بزرگان، آداب و رسوم ملی و مذهبی، موقعیت جغرافیایی، جمعیت، آب و هوا و زبان جوامع و مناطقی مورد مشاهده، در اختیار خواننده قرار می‌دهد. سفرنامه‌ها، به دو دسته کلی جغرافیایی و توصیفی، مثل *صورت الارض ابن حوقل* و ادبی مثل *سفرنامه ابن بطوطه* تقسیم می‌شوند. در اولی، توصیف راه‌ها، مسافت‌ها، کوه‌ها، شهرها و... و در دومی، توصیف و در برخی موارد تفسیر و تبیین فرهنگ و آداب و رسوم، غلبه دارد (آئینه‌وند و گراوند، ۱۳۹۰). سفرنامه‌ها، به‌طورکلی از منابع مهم و مطالعات تاریخی و جامعه‌شناختی، به ویژه در مورد جوامع شرقی هستند. سفرنامه‌های متعددی به دست جهانگردان مسلمان و غیرمسلمان نگاشته شده است، اما برخی معتقدند که نوشته‌های جهانگردان خارجی، به دلیل آزادی بیشتر نسبت به سفرنامه‌نویسان بومی، نسبت به داده‌های تاریخی موردنیاز برای تحلیل‌های تاریخی و جامعه‌شناختی، غنی‌تر است (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۸۲). سفرنامه *ابن فضلان، ابن بطوطه، ناصر خسرو و مقدسی* و توصیف و تحلیل ایشان از آداب و رسوم فرهنگ‌های مختلف، در این دسته جای می‌گیرد.

## رویکرد خطابی

هدف از قیاس منطقی، دستیابی به یقین، به تسلیم واداشتن، اقناع‌سازی، زیبا یا زشت نمودن چهره مطلوب در خیال مخاطب یا به اشتباه انداختن اوست که به ترتیب، برهان، جدل، خطابه، شعر و مغالطه نامیده، تحت عنوان «صناعات خمس» از آنها یاد می‌شود (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۱۱۷-۱۲۰). براین‌اساس، منظور از «رویکردهای خطابی» در این مقاله، رویکردهای غیربرهانی است که از طرق مختلف، افراد را به انجام کاری وادار یا از آن بازمی‌دارند. برخی از این رویکردها، زمام کار را از دست حسابگری‌های عقل خارج ساخته، به دست احساسات می‌سپارد، احساسات را برمی‌انگیزد، به جوش می‌آورد و جنبش ایجاد می‌کند. برخی دیگر، هیجان‌ها را خاموش می‌کند، طوفان‌ها را فرو می‌نشاند، زمینه را برای حسابگری و دوراندیشی فراهم می‌کند (همان، ج ۱۱۶، ص ۴۹۸).

رویکردهای خطابی که با روش‌های اقناعی و با هدف ترویج، شکل گرفته است، در ادامه رویکردهای قبلی و به دلیل پیامدهای اجتماعی مورد توجه است. سیاست‌نامه‌ها، شریعت‌نامه‌ها، فتوت‌نامه‌ها، مقامات و سایر متون خطابی و ادبی در این دسته جای می‌گیرد.

## سیاست‌نامه

«سیاست‌نامه» اثری است که با رویکرد تجویزی، شیوه‌های حفظ اقتدار و مشروعیت قدرت سیاسی و عوامل تضعیف یا اضمحلال آن را به فرمانروایان گوشزد می‌کند. این متون، که به اعتبار مشهورترین آنها، سیاست‌نامه *خواجہ نظام‌الملک*، به نام سیاست‌نامه شناخته می‌شوند، شامل آثاری با نام‌های اندرزنانه، آیین‌نامه، ارشادنامه، تصحیح‌الملوک، آیین شاهی و... می‌شود که توسط فقیهان، فیلسوفان و در برخی موارد، عرفا تدوین شده‌اند. این آثار، در قالب یک متن پندآموز به منظور راهنمایی عملی امیر یا سلطانی خاص نوشته شده و برای ایجاد تنوع، به نقل‌ها، حدیث‌ها و حکایت‌های شیرین آمیخته شده‌اند (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۷۴).

برخی بر این باورند که بخش بزرگی از اندیشه‌های سیاسی در سیاست‌نامه‌هایی آمده است که نویسندگان آن، بی‌آنکه اهل تفکر فلسفی باشند، به تأمل در روابط و مناسبات سیاسی جامعه پرداخته‌اند. اغلب این نویسندگان، نسبتی با سیاست عملی دارند. به همین دلیل، برخلاف فیلسوفان سیاسی در تکوین سازمان سیاسی کشور و تدوین ایدئولوژی سیاسی آن، نقش بسزایی داشته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۰). حال اینکه متون خطابی، در رابطه طولی با حکمت نظری و عملی، مسیر تحقق اجتماعی و ترویج آن علوم بوده و عموماً توسط همان اندیشمندان تدوین شده است.

در اندرزنانه‌ها، برای ایفای مقصود کمتر از برهان و بیشتر از خطابه یا اقناع ناشی از مشاهدات تاریخی، به منظور تأثیر اجتماعی و تربیت نفوس استفاده می‌شود. حکایات تاریخی و حکایات از زبان حیوانات، مثل *کلیله و دمنه*، یکی از روش‌های مورد علاقه اندرزنانه‌نویسان است (قادری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱).

## فتوت‌نامه

«فتوت» عنوان مسلکی اخلاقی است که پس از تصوف، بیشترین رواج را در کشورهای اسلامی داشته و شکلی از خدمت‌گذاری به نیازمندان است. پادشاهان فراوانی به این مسلک گرایش داشته‌اند. اما *الناصر لدین‌الله* با پوشیدن خرقة فتوت در سال ۵۷۸ق و تأسیس نظام فتوت ناصری، بیشترین سهم را

در توسعه این منش داشته است. اما «فتوت‌نامه»، عنوان آثاری منظوم و منثور با صبغه عرفانی، در تعلیم و شرح آداب و رسوم، اعتقادات و اخلاقیات در آیین جوانمردی است. نخستین فتوت‌نامه‌ها در دوره الناصر، نوشته شده‌اند. فتوت‌نامه احمد نقاش با عنوان *تحفة الوصایا*، یکی از فتوت‌نامه‌های کهن عربی است. کسانی که در قرآن «فتی» نامیده شده‌اند، شجره فتوت، شرایط فتوت، ارکان فتوت و سنت فتوت تا پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، فصول پنج‌گانه این کتاب را تشکیل می‌دهند. *کتاب الفتوة*، فتوت‌نامه ابن معمار نیز یکی دیگر از فتوت‌نامه‌های کهن عربی است که در عهد الناصر و به نام او و برای تبلیغ و تعلیم فتوت ناصری نوشته شده است. *ابن معمار*، با این کتاب در سوق دادن فتوت به سوی تصوف مؤثر بوده است. بسیاری از فتوت‌نامه‌های بعدی از این کتاب متأثر بوده‌اند (افشاری، ۱۳۸۲، ص ۲۴).

### مقامات

«مقامه» و «مقامات» در اصطلاح معانی مختلفی دارد. اما در قرن چهارم، با ابتکار *بدیع‌الزمان همدانی* به نوع خاصی از نثر و داستان منحصر شده است و به قصه کوتاهی، که ساخته تخیل نویسنده بوده و حادثه‌پردازی و لطیفه‌گویی ویژگی بارز آن باشد، می‌گویند که واقعیت‌های اجتماعی موجود در جامعه را به تصویر می‌کشد. نویسنده در قالب آن، با اسلوبی مصنوع و مسجع، اندیشه ادبی یا فلسفی یا احساس درونی خود را به خواننده منتقل می‌سازد. توجه به لفظ، تناسب و توازن الفاظ و زیبایی اسلوب در مقامات، به حدی است که در پذیرش آرایه‌های لفظی حتی از شعر نیز فراتر رفته است.

مقامات، تصویر روشنی از پدیده‌های اجتماعی و شرایط حاکم بر محافل ادبی عصر خود ارائه می‌کند؛ زیرا در مقامات از یک‌سو، فساد اخلاقی و رفاه و خوشگذرانی طبقه ثروتمند و بدبختی عامه مردم و نیز حيله‌های متکدیان و دزدان در به دست آوردن ثروت و رفع نیاز به خوبی به تصویر درآمده است. از سوی دیگر، هنر‌نمایی نویسنده در عبارت‌پردازی و آمیختن نظم به نثر، اقتباس‌های نیکو از قرآن و حدیث، به کارگیری واژه‌های اصیل و آرایه‌های لفظی و تصنع بیش از حد شرایط حاکم بر مجامع ادبی آن روزگار را نشان می‌دهد. بنابراین، «فن مقامه»، در واقع زاینده شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر سرزمین‌های اسلامی و سرزمین‌های عربی در قرن سوم و چهارم هجری است.

### رابطه رویکردهای فوق

رویکردهای نه‌گانه فوق، در دو رابطه طولی و عرضی با یکدیگر قرار دارند. فلاسفه مسلمان، علم را به دو دسته کلی نظری و عملی تقسیم نموده‌اند. علم یا حکمت نظری، شامل علوم است که قوام

موضوع آنها، ارتباطی با اراده و آگاهی انسان ندارد. علم یا حکمت عملی، شامل علوم است که قوام موضوع آنها، وابسته به اراده و آگاهی انسان است. براین اساس، فلسفه، عرفان و کلام در دسته اول و اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن تحت عنوان کلی «علم مدنی» و فقه، عرفان عملی و تاریخ در دسته دوم قرار می‌گیرند. تفسیر و حدیث نیز بسته به رویکرد و محتوا، در دل رویکردهای مذکور قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه، احادیث و تفاسیر فلسفی، عرفانی و کلامی، در زمره علوم نظری و احادیث و تفاسیر فقهی، تاریخی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی در زمره علوم عملی قرار می‌گیرند.

علوم نظری، در عرض یکدیگر قرار دارند؛ به این معنا که رقیب یکدیگر بوده، اتخاذ یکی از این رویکردها برای ورود به مباحث حکمت عملی کافی است. این علوم، سه نوع نگاه به عالم، آدم و شناخت را به تصویر می‌کشند و به‌خودی‌خود، به مباحث علم اجتماعی ورودی ندارند، بلکه در یک رابطه طولی با علوم عملی، مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی علوم عملی را تأمین می‌کنند. فلسفه، مبانی علم مدنی را تأمین می‌کند. عرفان، مبانی عرفان عملی را فراهم می‌سازد، کلام، مبانی فقه را تدوین می‌نماید. تاریخ نیز بسته به رویکردهای سه‌گانه مذکور، مبانی خود را به تناسب از فلسفه یا کلام می‌گیرد. بنابراین فلسفه، عرفان و کلام، تحت عنوان علوم نظری سه نوع نگاه به هستی، معرفت و انسان را به ارمغان می‌آورد که علوم اجتماعی متفاوتی را به دنبال دارد. البته این علوم، لزوماً تنافی و تناقضی با یکدیگر نداشته، می‌توانند با پرداختن به سطوح گوناگون واقعیت، تقسیم کار منسجم و مرتبطی داشته باشند.

در میان علوم عملی نیز دو نوع رابطه طولی و عرضی قابل تصور است. اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن در عرض یکدیگرند. عرفان عملی، در عرض اخلاق و هر دو، در چارچوب فقه قرار دارند. برخی علوم عملی مثل فقه نیز در طول برخی دیگر، از همان دسته مثل فلسفه سیاست قرار داشته، امتداد و بخشی از آن محسوب می‌شوند (پارسانیا، ۱۳۸۸). برخی از ابواب فقه (عبادات)، در امتداد دانش اخلاق، برخی دیگر (النکاح و الطلاق)، در امتداد تدبیر منزل و دسته سوم (الجهاد، الدیات و...)، در راستای سیاست مدن قرار می‌گیرد (همو، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷). بنابراین، رابطه فقه با فلسفه سیاست نیز رابطه طولی، اما نه به معنای اخذ مبانی، بلکه به معنای در امتداد آن قرار داشتن و جزیی از آن است.

بنابراین، تفاوت فلسفه سیاست یا همان سیاست مدن و فقه سیاسی یا فقه اجتماعی، تفاوت در موضوع است؛ یعنی فقهی که با روش برهانی، آشنا و مرجعیت عقل نظری و عملی را پذیرفته باشد،

می‌تواند در حوزه فلسفه سیاست نیز صاحب نظر بوده، دست به تألیف و نظریه پردازی بزند. تفاوت سیاست‌نامه‌ها با فلسفه سیاسی و فقه سیاسی، تنها تفاوت در روش است که به تناسب اهداف مختلف علمی یا ترویجی پدید می‌آید. به همین دلیل، همان شخصی که برای مخاطبان علمی، فلسفه یا فقه سیاسی می‌نویسد، برای مخاطبانی که در عرصه عمل و فعالیت اجتماعی مشغول هستند، سیاست‌نامه می‌نویسد. به همین دلیل، سیاست‌نامه‌ها را گاه فقیهان و گاه فیلسوفان سیاسی تحریر کرده‌اند (همو، ۱۳۹۱، ص ۷۸). براین اساس، رابطه متون خطابی با علوم عملی نیز رابطه طولی، نه به معنای اخذ مبانی و نه به معنای امتداد آن، بلکه به معنای ترویج آن علوم در عرصه اجتماع و فرهنگ است. در نتیجه، رابطه طولی به سه معنای اخذ مبانی، امتداد دانشی دیگر بودن و ترویج دانش‌های دیگر به کار می‌رود. بنابراین، علم اجتماعی مسلمین، از رویکردهای گوناگون فلسفی، عرفانی، کلامی، تفسیری، حدیثی، فقهی و کلامی، با روش‌های مختلف تجربی، عقلی، نقلی و شهودی به توصیف، تفسیر و تبیین پدیده‌های اجتماعی و رفتار معنادار و همچنین انتقاد و تجویز و هنجار می‌پردازد. این علم، با رویکرد خطابی و استفاده از روش‌های اقناعی، به ترویج معرفت همسو با خود در عرصه اجتماع می‌پردازد.

### نتیجه‌گیری

میراث علمی جهان اسلام با رویکردهای حدیثی، فلسفی، عرفانی، کلامی، تفسیری، فقهی، تاریخی و خطابی، ظرفیت‌های جامعه‌شناختی توصیفی، تبیینی، تفسیری، انتقادی، هنجاری و تجویزی را به نحوی منسجم به ارمغان آورده است. علم اجتماعی مسلمین، با رویکردهای فوق در یک رابطه طولی، مبانی معرفتی خود را از علوم نظری اخذ می‌کند و به دلیل حضور این مبانی معرفتی در عرصه اجتماع، از کارآمدی بالایی نسبت به نظریه‌های برون‌زا برخوردار است. از سوی دیگر، این علوم، متون خطابی متناسب با خود را در راستای ترویج معرفت علمی در عرصه فرهنگ، تولید می‌کند که خود منجر به سامان یافتن فرهنگ خواهد شد.

### منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ترجمه محمد دشتی، قم، هجرت.

ابوالحسن منذر، علی، بی‌تا، *بوسه بر خاک پی حیدر*، بحثی در ایمان و آرمان فردوسی با نقد نظریات و آرای برخی شاهنامه پژوهان معاصر، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.

آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۸۶، *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر*، تهران، علم.

افشاری، مهران، ۱۳۸۲، *فوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

آئینه‌وند، صادق و مجتبی گراوند، ۱۳۹۰، «شیوه سفرنامه‌نویسی در مغرب و اندلس»، *پژوهش‌های تاریخی*، سال سوم، ش ۴، ص ۲۲-۱.

باقی نصرآبادی، علی، ۱۳۸۰، *سیری در اندیشه اجتماعی شهید آیت‌الله مطهری*، چ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

پارسانیا حمید، ۱۳۸۴، *گفت‌گو با حجت الاسلام حمید پارسانیا*، در: *مناسبات جامعه‌شناسی و حدیث*، به کوشش محمدرضا ضمیری، قم، دارالحدیث.

\_\_\_\_، ۱۳۸۶، *الف، عرفان و سیاست*، قم، بوستان کتاب.

\_\_\_\_، ۱۳۸۶، *ب، اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان*، جزوه درسی، دانشگاه باقرالعلوم.

\_\_\_\_، ۱۳۸۸، *روش‌شناسی اندیشه اجتماعی مسلمین*، جزوه درسی، دانشگاه باقرالعلوم.

\_\_\_\_، ۱۳۹۱، *روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی*، قم، فردا.

تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، بی‌تا، *غررالحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

تنهایی، حسین ابوالحسن، ۱۳۸۴، *جامعه‌شناسی عرفانی در اندیشه عرفای مسلمان*، تهران، بهمن برنا.

خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۸، *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر*، قم، مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.

خلیلویچ، سعید، ۱۳۹۰، *سنت‌گرایی در جهان عرب در تمدن و تجدد در اندیشه عرب معاصر*، به کوشش حبیب‌الله بابایی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

رضائی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۷۵، *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم*، قم، اسوه.

\_\_\_\_، ۱۳۹۲، *الف، حدیث و علوم جدید (منطق فهم احادیث علمی)*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

\_\_\_\_، ۱۳۹۲، *ب، منطق تفسیر قرآن (۵): (قرآن و علوم طبیعی و انسانی)*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

رضایی، مرتضی، ۱۳۹۱، «درآمدی بر سفرنامه‌های مسلمانان در عصر عباسی»، *تاریخ نو*، سال دوم، ش ۳، ص ۵۹-۸۴.

ریتزر، جورج، ۱۳۷۵، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی و فرهنگی.

رزور، عدنان محمد، ۱۴۱۶ق، *مدخل الی تفسیر القرآن و علومه*، بیروت، دارالقلم.

سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۶۴، *تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن*، تهران، مؤسسه نشر و تبلیغ کتاب.

## علم اجتماعی مسلمین؛ رویکردها و روش‌ها ❖ ۵۱

- ستوده، هدایت‌الله، ۱۳۸۴، *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از فارابی تا شریعتی*، تهران، ندای آریانا.
- شاطبی، ابراهیم‌بن موسی، بی‌تا، *الموافقات*، بی‌جا، دارالاحیاء الکتب العربیه.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، ۱۴۰۸ق، *الرعاية فی علم الدراییه*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- صدر، سیدمحمدباقر، بی‌تا، *سنت‌های تاریخ در قرآن*، ترجمه سیدجمال موسوی، بی‌جا، روزبه.
- صدیق اورعی، غلامرضا، ۱۳۸۱، *بررسی ساختار نظام اجتماعی در اسلام*، بی‌جا، مرکز پژوهش‌های سیما.
- طباطبایی، سیدجواد، ۱۳۷۴، *درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران*، تهران، کویر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- \_\_\_\_، ۱۳۸۸، *روابط اجتماعی در اسلام*، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، تهران، اطلاعات.
- عباس‌نژاد، محسن و همکاران، ۱۳۸۵، *مبانی و مقدمات رابطه قرآن و علوم روز*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- عسکری، سیدمرتضی، ۱۳۸۶، *تاریخ حدیث پیامبر*، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
- فارابی، ابی‌نصر، ۱۹۹۶، *احصاء العلوم، با مقدمه*، شرح و تبویب علی بوملحم، بی‌جا، دار مکتبه الهلال.
- فوکو، میشل، ۱۳۷۹، *ایران: روح یک جهان بی روح و نه گفت‌وگوی دیگر با میشل فوکو*، ترجمه نیکو سرخوش و همکاران، تهران، نشر نی.
- فیرحی، داوود، ۱۳۸۲، *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام*، تهران، نشر نی.
- قادری، حاتم، ۱۳۸۸، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران، سمت.
- کچوئیان، حسین، ۱۳۸۴، *گفت‌گو با دکترحسین کچوئیان، در مناسبات جامعه‌شناسی و حدیث*، به کوشش محمدرضا ضمیری، قم، دارالحدیث.
- کدی، نیکی، ۱۳۷۸، «چرایی انقلابی شدن ایران»، ترجمه فردین قریشی، *پژوهش‌نامه متین*، سال اول، ش ۲.
- لکزایی، نجف و همکاران، ۱۳۸۱، *اندیشه سیاسی آیت‌الله مطهری*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۰، *قرآن‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، *جامعه و تاریخ*، ج هشتم، تهران، صدرا.
- \_\_\_\_، ۱۳۹۲، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۱، *صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی*، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب.
- نصیری، مهدی، ۱۳۸۱، *اسلام و تجدد*، تهران، کتاب صبح.